



Explanation and Analysis of the Effects and Results of Faith in Divine Knowledge on the Islamic Lifestyle from the Perspective of the Qur'an with An Emphasis on the Family

Zakieh Khakbaraghi^{1*}, Sayed Akbar Hosaini Ghale Bahman², Hassan Panahi Azad³

1 Graduated with a specialized Ph.D. from the Faculty of Islamic Studies, majoring in theoretical foundations of Islam, University of Islamic Studies.

2 Associate Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute.

3 Associate Professor, Department of Theoretical Foundations of Islam, University of Islamic Education

* Corresponding author: khakparagi.maref@yahoo.com

Received: 2023-10-18

Accepted: 2024-02-14

Abstract

Paying attention to the divine names and attributes is one of the life-giving concepts that faith in it provides man with a comprehensive and complete plan for constructive interaction with God and himself and other human beings. Everywhere in the religious teachings, sublime knowledge about explaining and analyzing the effects and results of belief in divine names and attributes on human lifestyle has been discussed and the precious effects for them have been counted. Among the divine names and attributes that have been considered by Islamic scholars is divine knowledge. In this research, using the library-analytical method, it is attempted to, firstly, analyze the lifestyle, then to explain the divine attributes, and explain and analyze the effect of faith in divine knowledge on the lifestyle, and finally to analyze these effects from the perspective of Quran Mufasssir. Accordingly, in the present study, an attempt has been made to extract the scientific views of Allameh Mohammad Hossein Tabataba'i who was of prominent scholar in the scientific community of his time, regarding the explanation of the effects of faith in divine knowledge on the Islamic lifestyle from the viewpoint of the Qur'an. Allame Tabataba'i in his main work focused on these points that the human beings could operate the healthy Islamic life style well by considering all the dimensions of spirituality in their personal and interpersonal relations.

Keywords: knowledge, lifestyle, Health, Allameh Tabataba'i

© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Khakbaraghi, A & et al. (2024). Explanation and Analysis of the Effects and Results of Faith in Divine Knowledge on the Islamic Lifestyle from the Perspective of the Qur'an with An Emphasis on the Famil. *JNACE*, 5(4): 247-255.





تبیین و تحلیل آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن با تأکید بر خانواده

ذکيه خاکپراقي^{۱*}، سيد اکبر حسيني قلعه بهمن^۲، حسن پناهي آزاد^۳

^۱ فارغ التحصيل دکتری تخصصی مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی

^۲ دانشیارموسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

^۳ دانشیار گروه مبانی نظری اسلام دانشگاه معارف اسلامی.

* نویسنده مسئول: khakparagi.maref@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

چکیده

توجه به اسماء و صفات الهی یکی از مفاهیم حیات‌بخشی است که ایمان به آن برنامه‌ای جامع و کامل به منظور تعامل سازنده با خدا و خود و سایر افراد بشر در اختیار انسان قرار می‌دهد. در جای‌جای تعالیم دینی، معارف والایی پیرامون تبیین و تحلیل آثار و نتایج ایمان به اسماء و صفات الهی بر سبک زندگی انسان‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از جمله اسماء و صفات الهی که مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده، علم الهی است. در این پژوهش سعی می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به تحلیل سبک زندگی، سپس تبیین اوصاف الهی و بعد از آن به تبیین و تحلیل تأثیر باور به علم الهی در سبک زندگی و در نهایت تحلیل این تأثیرات از منظر مفسر بزرگوار حضرت علامه محمدحسین طباطبایی در دستور تحقیق قرار گیرد. بر این اساس در پژوهش حاضر سعی بر آن شده تا آراء و برداشت‌های علمی حضرت علامه محمدحسین طباطبایی را که جزء عالمان برجسته و از تأثیرگذاران بر جامعه علمی زمان خود بوده‌اند، پیرامون تبیین و تحلیل آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن استخراج شود. علامه طباطبایی در اثر مهم خود بر این نکات تأکید داشتند که انسانها با رعایت تمامی ابعاد مختلف معنویت در روابط فردی و بین فردی‌شان می‌توانند به خوبی سبک زندگی اسلامی سالم را پیاده سازند.

واژگان کلیدی: علم، سبک زندگی، سلامت، علامه طباطبایی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شيوه استناد به این مقاله: خاکپراقي، ذکيه و همکاران (۱۴۰۲) تبیین و تحلیل آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن با تأکید بر خانواده. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۵(۴): ۲۴۷-۲۵۵.

مقدمه

شکل‌گیری حیات بشر، جهان‌بینی یا همان تبیین و توجیهی که انسان از عالم هستی در رابطه با خود دارد [۱]، اساس تمام ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی او را بنا نهاده و ارکان دنیایی که در آن زندگی می‌کند را ساخته است. طرح علمی موضوع سبک زندگی برای نخستین بار در روانشناسی، از سوی آلفرد آدلر^۱ (۱۹۲۲) بود [۲] و سپس پیروان

اعمال و رفتار هر انسانی متأثر از اصولی است که دستگاه عقیده و اندیشه او را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اصول حاکم بر دستگاه عقیده و اندیشه آدمی بسان پادشاهی مقتدر در مملکت وجود او حکمرانی می‌کنند تا جایی که تمام تلاش‌ها و برنامه‌های آدمی در مسیر اجرای اقتضائات اصول مورد اعتقاد اوست. لذا از ابتدای

داشته باشد و باور کند که خداوند حتی به مخاطرات ذهنی و وسوسه‌های فکری و نفسانی انسان آگاهی دارد و هیچ حالت و هیچ زمان و مکانی وجود ندارد که انسان از نظرگاه الهی پنهان بماند؛ در این هنگام باور می‌کند هر کاری که انجام دهد در محضر الهی و در حضور خداوند مَنان است. طبعاً این باور و ایمان، اثر بزرگی در وجود انسان خواهد گذاشت و آن باور به این مهم است که اعمال و افکار او کنترل می‌شود و مورد توجه است. برای توجه دادن به همین معناست که خدای متعال در سوره علق خطاب به تمام انسان‌ها می‌فرماید:

(الْم يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى) [۳].

مگر [انسان] ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می‌بیند؟ وقتی انسان باور کرد که در محضر حق تعالی است و خود را به گونه‌ای که خداوند متعال فرموده است کنترل نموده و سعی می‌کند به طور مطلق اوامر الهی را انجام دهد، در این هنگام مطابق با اراده تشریحی خدای متعال حرکت کرده و در نهایت می‌تواند به مقصد اصلی خلقتش که همان وصول به مقام عبودیت الهی است نائل شود.

علامه طباطبایی درباره تبیین هدف اصلی خلقت می‌فرماید: عبادت، هدف خلقت انسان است و رسیدن به کمالی است که مربوط به انسان است و به تبع آن آثاری مانند رحمت و مغفرت شامل حال انسان می‌شود و هدف والاتر برای عبادت حصول معرفت به خداوند و اخلاص نسبت به او است و هدف اصلی نیز همین است [۴]. به هر حال غرض از عبادت مفهومی است که موجب کمال انسان می‌شود، چرا که خداوند سبحان هیچ نقص و حاجتی ندارد و غرض عبادت به نفس عبادت بازمی‌گردد. [۴].

شریفی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود با اشاره به تاثیر ایمان بر سبک زندگی اسلامی اظهار می‌دارند: خداباوری به عنوان اولین باور دینی، مسیر زندگی را برای خانواده‌ها روشن می‌کند و آثار زیادی در سبک زندگی خانواده‌ها دارد: تقویت ایمان، سلامت جسم و روان، آرامش روحی، وحدت و همبستگی، خوش‌بینی و معنایابی زندگی، تقویت روحیهٔ رضا و تسلیم، تقوا، آسان شدن مشکلات و ایجاد روحیهٔ صبر و بردباری از جمله آثار این مبنا می‌باشد. [۵]

برخی از آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی خانوادگی

به طور کلی، تمام باورهای انسان تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی او دارند و هیچ عمل و رفتاری از انسان سر نمی‌زند مگر این که باوری در وجود او رهبری آن را بر عهده گرفته است. بر این اساس بدیهی است که اعتقاد و ایمان به حضور خدای متعال

او آن را گسترش دادند. در مورد اهمیت سبک زندگی دینی باید گفت بدون سبک زندگی دینی نمی‌توان به اهداف دین دست یافت و انسان به رشد واقعی و به هدف خلقتش نمی‌رسد. سبک زندگی بر ابعاد مختلفی همچون سلامت فرد نیز تاثیرگذار می‌باشد.

علاوه بر این، آشننگی و التقاط فرهنگی، یکی از مسائلی است که داشتن سبک زندگی دینی را مهم و ضروری می‌کند. یکی از ضرورت‌های تحقق سبک زندگی اسلامی آن است که فراتر از پارادایم غالب و حاکم بر اندیشه سکولار، به بازخوانی فرهنگ مسلمانی و آموزه‌های اسلامی خود پردازیم و با تکیه بر منابع معرفتی اسلام، سبک زندگی متناسب با فرهنگ دینی و سازگار با اقتضات عصری را تعریف، ترسیم و ترویج نماییم.

اعتقاد به این اصول یقیناً آثار خاصی در سبک زندگی هر انسانی خواهد داشت و می‌تواند برنامه عملی او برای ادامه حیات را به نحو اساسی تغییر دهد. بررسی این مطلب که ایمان و باور به اصول یاد شده، چه اثری در نحوه زندگی انسان‌ها دارد و چگونه می‌تواند برنامه عملی آدمی را تحت تأثیر خود قرار دهد تا منجر به پیدایش سبک زندگی خاصی در حیات او شود، اموری هستند که در پژوهش حاضر مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت! از این رو بر آن شدیم تا به تبیین و تحلیل «آثار علم و قدرت و رحمت الهی بر سبک زندگی اسلامی» از دیدگاه عالم شهیر جهان اسلام حضرت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پردازیم. از آنجا که تفسیر المیزان شالوده‌ای عالمانه از دارایی‌های مکتب اعتقادی تشیع می‌باشد، می‌توان گفت کنکاش در این منبع مهم شیعی، افق‌های روشن بسیاری را در پیش‌روی طالبان حقیقی علم و معرفت خواهد گشود.

روش پژوهش

در این پژوهش سعی می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به تحلیل سبک زندگی، سپس تبیین اوصاف الهی و بعد از آن به تبیین و تحلیل تأثیر باور به علم الهی در سبک زندگی و در نهایت تحلیل این تأثیرات از منظر مفسر مذکور در دستور تحقیق قرار گرفت. به همین منظور برای تبیین هر کدام از این موارد، علاوه بر تفسیر المیزان از منابع مناسب دیگری نیز برای تبیین مطالب بیان شده بهره برداری شد.

آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی اسلامی

با توجه به مقدمات و مطالب پیش گفته، وقتی انسان، ایمان به خداوند داشته باشد و صفات او را با ذات او یکی دانسته و ایمان

که این مودت و رحمت یکی از بزرگ‌ترین آیات الهی هستند [۴].

تعریف علامه طباطبایی از سبک و روش زندگی، همان تعریف دین است و از دیدگاه وی، وصول به سعادت و سبک زندگی پایدار مبتنی بر اعتقاد به خدا، جهان آخرت و تعالیم وحی است و اساساً سبک زندگی حقیقی در نزد علامه، توحیدمدار است. علامه اهم مبانی سبک زندگی اسلامی را شامل توحید محوری می‌داند و در ارتباط‌گرایی و هماهنگی با نظام آفرینش فطرت با سبک زندگی معتقد است که انسان سه نوع وظایف شامل وظایف در برابر خداوند، در برابر خود و در برابر انسان دیگر بر عهده دارد و در این ارتباط، بخش عمده‌ای از روابط خانوادگی را در بطن وظایف نسبت به دیگران

می‌بیند؛ همانگونه که هدایت خانواده و روابط خانوادگی را یکی از هشت ویژگی اساسی سبک زندگی اسلامی و مؤمنانه از جنبه اجتماعی ببیند. [۷]

خداوند متعال در قرآن کریم، اصلی‌ترین و کلی‌ترین و محوری‌ترین مسئولیت در خانواده را این‌گونه بیان می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) [۳].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز مخالفت امر خدا نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرامی‌کنند. در این آیه شریفه خداوند متعال دستور می‌دهد که خودتان و خانواده‌تان را از آتش جهنم که ویژگی‌های خاصی دارد حفظ کنید. این آیه کریمه پس از آن که برای زنان پیامبر اکرم (ص) دستوراتی دارند، خطاب را تغییر داده و همه مؤمنین اعم از زن و مرد را مخاطب خود قرار داده و به آن‌ها امر می‌فرماید که خودشان و اهل‌شان را که واضح‌ترین مصداق آن خانواده است. تأدیبه نموده و از آتشی که هیزم آن خود مردم و سنگ است حفظ کنند. [۴].

دستور اصلی دیگر که خداوند متعال نسبت به اعضای خانواده و به ویژه مدیر آن صادر کرده است، از این آیه شریفه به دست می‌آید که می‌فرماید:

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) [۵]

خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکیبا باش، ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای اهل تقوی است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌گوید:

در تمام شئون حیات آدمی و اطلاع او از تمام افعالش، اثرات متعددی در زندگی فردی و اجتماعی او دارد.

یکی از اهداف و مقاصد قرآن، ایجاد خانواده‌های خوب و سالم است که بتواند پایه‌های مطمئنی برای یک جامعه سالم و شایسته باشند. شکی نیست که اساس تشکیل خانواده ازدواجی است که مرد و زن را با پیوند و عقد شرعی زناشویی مستحکم و مبتنی بر پاکی و پرهیزکاری بر پایه‌های استوار ارتباط می‌دهد. قرآن ازدواج را مانند آفرینش آسمان‌ها و زمین و خلقت انسان، از آیات الهی به شمار می‌آورد [۶]. خداوند در قرآن می‌فرماید:

(مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) [۳].

از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد همانا در این خلقت و مودت نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

در نظر علامه طباطبایی این آیه شریفه در بردارنده چند مطلب است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید:

هر کدام از زن و مرد مجهز به شکل خاصی از وسیله تناسل هستند که اگر در کنار هم باشند، امر توالد و تناسل محقق شده و امکان‌پذیر خواهد شد و هر کدام از زوجین به تنهایی ناقص هستند. یعنی با در کنار هم قرار گرفتن زوجین، یک واحد تام ایجاد می‌شود که قادر به تولد و ایجاد نسل می‌شود و همین نقص موجب می‌شود که هر زوجی به دیگری احساس نیاز کند و به سوی دیگری حرکت کرده و ابراز نیاز کند.

زوجین بعد از وصول به یکدیگر و حصول وصل بین آن‌ها، سکونت و آرامش پیدا می‌کنند و هر کدام مایه سکونت و آرامش دیگری می‌شود، زیرا هر ناقصی مشتاق رفع نقص و رسیدن به کمال است و هر موجود نیازمند، تمایل به رفع نیاز دارد و پس از رفع نیاز آرام می‌شود. و همین تحصیل سکونت و آرامش است که در وجود هر کدام از زوجین قرار داده شده است و از آن به عنوان زوج‌خواهی و یا تمایل به جنس مخالف یاد می‌شود.

مودت در این آیه شریفه به معنای حبّ ظاهری است که در نوع عملکرد انسانی تأثیرگذار است، یعنی حبّ موجب مودت می‌شود، مانند داشتن خضوع قلبی که موجب خضوع عملی می‌شود پس حبّ قلبی موجب مودت و همراهی عملی می‌شود. لذا اگر انسان در اصولی که به صورت تکوینی انسان را وادار می‌کند که یک مجتمع متشکل از زن و مرد را تشکیل داده و موجب شکل‌گیری خانواده می‌شود و همچنین به مودت و رحمت که باعث تشکیل یک جامعه مدنی شده و اموری که به این اجتماع مترتب می‌شود، خوب اندیشه کند و در مورد آن تفکر کند، خواهد دید،

مدیر و اعضای خانواده باید با اقامه نماز که بزرگ‌ترین مظهر عبادت و اظهار عبودیت است در مسیر هدف خلقت انسان که رسیدن به مقام عبودیت است قدم بردارد و مراقب خانواده خویش باشد [۴].

برخی از آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی اجتماعی

علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید:

«انسان در میان تمامی جانداران موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارند، چرا که فطرت تمامی افراد انسان چنین است یعنی فطرت تمام انسان‌ها این معنا را درک می‌کند و تا آنجا هم که تاریخ نشان داده هر جا بشر بوده اجتماعی زندگی می‌کرده و آثار باستانی هم (که از زندگی قدیمی‌ترین بشر آثاری بدست آورده) این مطلب را ثابت می‌کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان در آیاتی بسیار از این حقیقت خبر داده، از قبیل آیه: (يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ، وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا) [۳] هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله‌تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید.» [۴].

بعضی معتقدند که عوامل و علل بیرونی انسان را مجبور به زندگی اجتماعی می‌کنند، یعنی انسان اجتماعی آفریده نشده است بلکه اضطرار و جبر بیرونی، او را مجبور به زندگی اجتماعی کرده است و این نوع زندگی به او تحمیل شده است و انسان به حسب طبع اولی خود مایل به زندگی آزاد و بدون هیچ قید و بند و تحمیلی است، اما به حکم تجربه دریافته است که به تنهایی قادر به ادامه زندگی خود نیست و به اجبار به زندگی اجتماعی و محدودیت‌های آن تن داده است [۴].

برخی براین باورند که انسان به حکم عقل فطری و قدرت حساب‌گری خود به این نتیجه رسیده است که با مشارکت و همکاری و زندگی اجتماعی، بهتر از مواهب خلقت بهره می‌گیرد و زندگی آسان‌تری خواهد داشت، از این رو شرکت را انتخاب کرده است و زندگی اجتماعی را برگزیده است [۴].

با توجه به دیدگاه‌های موجود، ارائه یک تحلیل پیرامون وضعیت انسان، می‌تواند کمک کند تا دیدگاه صحیح به دست بیاید. خداوند متعال انسان را آفرید و در نوع انسان درک و شعور به ودیعت قرار داد و به او قوه و قدرت درک و فهم و فکر عنایت فرمود و انسان به وسیله همین قدرت فهم و درک و شعور می‌تواند حوادث فعلی را بفهمد و نسبت به بعضی از وقایع پیش‌بینی کند و وقایع گذشته را کشف کند و در یک کلام نسبت به همه حوادث و وقایع احاطه داشته باشد [۴]. آیاتی مانند: (عَلَّمَ

الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (به انسان تعلیم داد آنچه که نمی‌دانست)) [۳] و یا (وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَّا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد در حالی که هیچ نمی‌دانستید و به شما چشم و گوش و قلب اعطا کرد.) [۳] به این مطلب مهم اشاره و دلالت دارند [۴].

بایستی خاطر نشان ساخت که اجتماع انسانی و جوامع بشری مانند سایر روحمیات انسانی از ابتدا تمام و کامل نبوده است بلکه مانند سایر امور ادراکی انسان قابل تکامل بوده و همینطور که افراد انسانی در کمالات مادی و معنوی پیشرفت کرده و کامل شده‌اند، جوامع آن‌ها و اجتماعات بشری نیز تکامل یافته است و همچنان قابل تکامل بوده و جامعه نیز رو به سوی کمال دارد [۴].

بدون شک اسلام دینی است که اساس آن برای اجتماع بنیان‌گذاری شده است [براساس اداره اجتماع نازل شده است] و هیچ‌گاه نسبت به امور و شؤون اجتماعی بی‌تفاوت نبوده است [۴]. بدون اینکه بخواهیم مقایسه‌ای بین جامعه اسلامی و اجتماع مورد نظر دین اسلام و بین جوامع غیردینی امروزی انجام بدهیم توجه به این نکته مهم است که اولین ندایی که گوش‌های نوع انسانی را متأثر ساخته و نوع انسانی را نسبت به اهمیت دادن به امور اجتماعی و مسئله اجتماع و نسبت به اینکه اجتماع انسان یک موضوع مستقل و خارج از زاویه اهمال و سهل‌انگاری توجه کند، ندای پیامبر (ص) است، لذا مردم را به آیات الهی که بر وی نازل گردیده و مربوط به سعادت در حیات و زندگی زیبا در اجتماع است دعوت نموده و فرامی‌خواند [۴]. آیاتی مانند: (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ) (و این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های مختلف [و انحرافی] پیروی نکنید که شما را از راه حق دور می‌سازد.)^۹ و یا: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) ((همانا مؤمنان برادر یکدیگرند بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید.)^{۱۰} و یا: (وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) (نزاع و کشمکش نکنید تا سست نشوید و قدرت و شوکت و هیبت شما از بین نرود.)^{۱۱} - از این قبیل هستند.

علامه طباطبایی انسان را خواستار سعادت، کمال و خیر می‌داند، زندگی اجتماعی را یک ضرورت و وجود قانون برای آن را گریزناپذیر می‌خواند. وی معتقد است قانونی می‌تواند تأمین‌کننده عدالت و سعادت باشد که با نظام تکوی ن هماهنگی حاصل کند، این امر زندگی اخروی را نیز شامل می‌شود کامیابی دین با چنین جامعیتی از طریق بحث عقلی و نیز آزمون تاریخی قابل ارزیابی است. [۸]

انفاق

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.^{۱۳}

شما هرگز به خیر نمی‌رسید تا آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و هر چه را انفاق کنید خدای تعالی به آن دانا است علامه طباطبایی در توضیح کلمه «بر» می‌فرماید:

" بر " به معنای توسع در خیر است و اعم از خیر اعتقادی و عملی می‌باشد (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى...) و منظور از " فعل خیر " اعم از فعل قلب و فعل بدن است، هم به فعل قلب - از قبیل اعتقاد حق و نیت طاهره - شامل می‌شود، و هم به فعل جوارح - از قبیل انفاق در راه خدا و سایر اعمال صالح - هم چنان که می‌بینیم در آیه زیر کلمه " بر " در هر دو قسم از خوبی استعمال شده است.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.^{۱۴} چون می‌فرماید: بر خوبی این نیست که رو به سوی مشرق و مغرب کنید، و لیکن بر آن است که بخدا و روز جزا و ملائکه و کتاب و انبیا ایمان بیاورید، و در جنگها و فقرها و شداید صبر کنید " (تا اینجا کلمه " بر " در اعمال قلبی استعمال شده است) " و مال خود را با اینکه دوست می‌دارید، به ذوی القربی و یتیمان و مساکین و ابن سبیل و سائلین و بردگان بدهید. و نماز بخوانید، و زکات بپردازید و به عهد خود وفا کنید " این‌ها همه اعمال بدنی است و کلمه " بر " در مورد آن استعمال شده است. [۴].

عدالت اجتماعی

علامه طباطبایی در معنای واژه عدل می‌فرماید: عدل، عبارت است از اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط. [۹]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.^{۱۴}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد، چه اینکه اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند سزوارتر است که از آنها حمایت کند، بنا بر این از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد، و اگر

حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمائید خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

علامه در ذیل این آیه می‌فرماید:

" یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ " کلمه " قسط " به معنای عدل است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و تحفظ بر آن است، پس مراد از " قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ "، " قائمین به قسط " است البته قائمینی که قیامشان به قسط تام و کامل‌ترین قیام است، (چون قوام صیغه مبالغه است و به آیه چنین معنایی می‌دهد) آری مبالغه در قیام به همین است که شخص قوام به قسط کمال مراقبت را بخرج دهد تا به‌انگیزه‌های از هوای نفس یا عاطفه یا ترس و یا طمع و یا غیره از راه وسط و عادلانه عدول نکند و به راه ظلم نیفتد.

و این صفت زود اثرترین عوامل و کامل‌ترین اسباب برای پیروی حق و حفظ آن از پایمال شدن است و البته این قیام به قسط برای خود آثار و شاخه‌ها و لوازمی دارد، یکی از شاخه‌های آن این است که شخص قوام به قسط دیگر دروغ نمی‌گوید و شهادت به ناحق نمی‌دهد.

و از اینجا روشن می‌شود که علت اینکه در این آیه (که غرض از آن بیان حکم شهادت است) قبل از پرداختن به اصل غرض صفت قوام بالقسط را آورد، برای این بوده که خواسته است مطلب را به تدریج بیان کند، از بالا گرفته در دایره وسیعی حکم عمومی قیام به قسط را بیان کند، آن گاه به اصطلاح عوام به مسئله مورد غرض گریز بزند، چون این مسئله یکی از فروعات آن صفت است، پس کانه فرموده: " كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ " (گواهانی در راه خدا باشید) و این برای شما میسر نمی‌شود مگر بعد از آنکه قوامین به قسط باشید، ناگزیر باید نخست قوامین به قسط شوید تا بتوانید گواهانی برای خدای تعالی بوده باشید.

و در جمله: " شُهَدَاءَ لِلَّهِ "، حرف " لام " به اصطلاح لام غایت است، می‌فرماید: گواهانی باشید و این گواهیتان برای خدا باشد، یعنی در شهادت خود غایت و هدفی به جز رضای خدای تعالی نداشته باشید، هم چنان که در آیه شریفه: " وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ " نیز " لام " برای غایت آمده و معنای برای خدا بودن شهادت این است که شهادت مصداق پیروی حق و به خاطر اظهار حق و زنده کردن حق باشد، هم چنان که جمله: " فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا " (پس پیروی هوا مکنید که منحرف می‌شوید) این معنا را توضیح می‌دهد [۴].

" وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ " یعنی به حق شهادت بدهید هر چند که بر خلاف نفع شخصیتان و یا منافع پدر و مادران و یا خویشاوندانتان باشد، پس زنهار که علاقه شما به منافع شخصیتان و محبتی که نسبت به والدین و خویشاوندان

خود دارید شما را بر آن بدارد که شهادت را یعنی آنچه را که دیده‌اید تحریف کنید و یا از ادای آن مضایقه نمائید، پس مراد از اینکه شهادت بر ضرر و یا بر ضرر والدین و یا خویشاوندان باشد این است که آنچه را که دیده‌ای اگر بخواهی در مقام اداء بدون کم و کاست بگویی به حال تو ضرر داشته باشد و یا به منافع والدین و خویشاوندان لطمه بزند،

"إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا" در این جمله با اینکه غنی و فقیر بطور تردید آمده و فرموده: "چه اینکه مشهود له که تو، به نفعش شهادت می‌دهی توانگر باشد و چه فقیر باشد" مع ذلک ضمیر تثنیه به آن دو بر گردانده و فرموده: "خدای تعالی سزاوارتر به آن دو است"، با اینکه در یک واقعه، شخص مشهود له، یکی از آن دو است، یعنی یا فقیر است یا غنی و هر دوی آنها نیست، پس جای این سؤال هست که چرا ضمیر تثنیه برگردانیده و چرا نفرمود: "فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ"؟

جواب این سؤال این است که درست است که در یک واقعه شخص مشهود له یا غنی است و یا فقیر و نمی‌تواند هر دو باشد و لیکن از آنجایی که سخن از مشهود له معینی نیست، بلکه از مشهود له فرضی است و مشهود له فرضی در یک واقعه غنی و در واقعهای دیگر فقیر است، لذا ضمیر تثنیه را به مشهود له برگردانیده تا معنا چنین شود: "خدای تعالی اولای به غنی است در غنایش و اولای به فقیر است در فقرش".

دوری از بدگویی

لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ.^{۱۶}

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدیها را اظهار کند.

همکاری آنها را با یکدیگر مشکل می‌سازد، بنا بر این بخاطر استحکام پیوندهای اجتماعی و هم بخاطر رعایت جهات انسانی، لازم است بدون در نظر گرفتن یک هدف صحیح پرده‌دوری نشود^{۱۷} [۱۰]

علامه در توضیح این آیه می‌فرماید: مراد از "دوست نداشتن" خدا بدگویی آشکار را، اینست که در شریعت خود آن را نکوهیده شمرده است.

پس اینکه فرمود: "خدا سخن زشت به جهر گفتن را دوست نمی‌دارد" کنایه است از اینکه در شریعتی که تشریح فرموده، این عمل را نکوهیده شمرده، حال چه نکوهیده به حد حرمت و چه اینکه زشتی آن به حد حرمت نرسد و از حد کراهت و اعانه تجاوز نکند.

[حد مجاز در بدگویی مظلوم از ظالم]

و جمله: "إِلَّا مَنْ ظَلِمَ" استثنای منقطع است و معنایش با معنای کلمه "لکن" یکی است، پس در حقیقت فرموده: "لکن من ظلم لا باس بان یجهر بالسوء من القول فیمن ظلمه و من

حیث الظلم" (خدا دوست نمی‌دارد سخن زشت با صدای بلند گفتن را، لیکن کسی که مورد ظلم شخصی یا اشخاصی قرار گرفته، می‌تواند در مورد خصوص آن شخص و یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفته، سخن زشت و با صدای بلند بگوید) و همین خود^{۱۸} قرینه است بر اینکه چنین کسی نمی‌تواند هر چه از دهانش بیرون بیاید به او نسبت دهد و حتی آیه شریفه دلالت ندارد بر اینکه نمی‌تواند بدی‌های دیگر او را که ربطی به ظلمش ندارد به زبان بیاورد بلکه تنها می‌تواند با صدای بلند ظلم کردنش را بگوید و صفات بدی از او را به زبان آورد که ارتباط با ظلم او دارد.

مفسرین هر چند که در تفسیر کلمه: "سوء" اختلاف کرده‌اند که به چه معنا است، بعضی گفته‌اند: نفرین است. بعضی دیگر گفته‌اند: نام بردن از خصوص ظلم او است و از این قبیل معانی دیگر، جز اینکه همه این معانی مشمول اطلاق آیه شریفه می‌باشد، دیگر جهت ندارد که هر مفسری کلمه سوء را به یکی از آن معانی تفسیر کند.

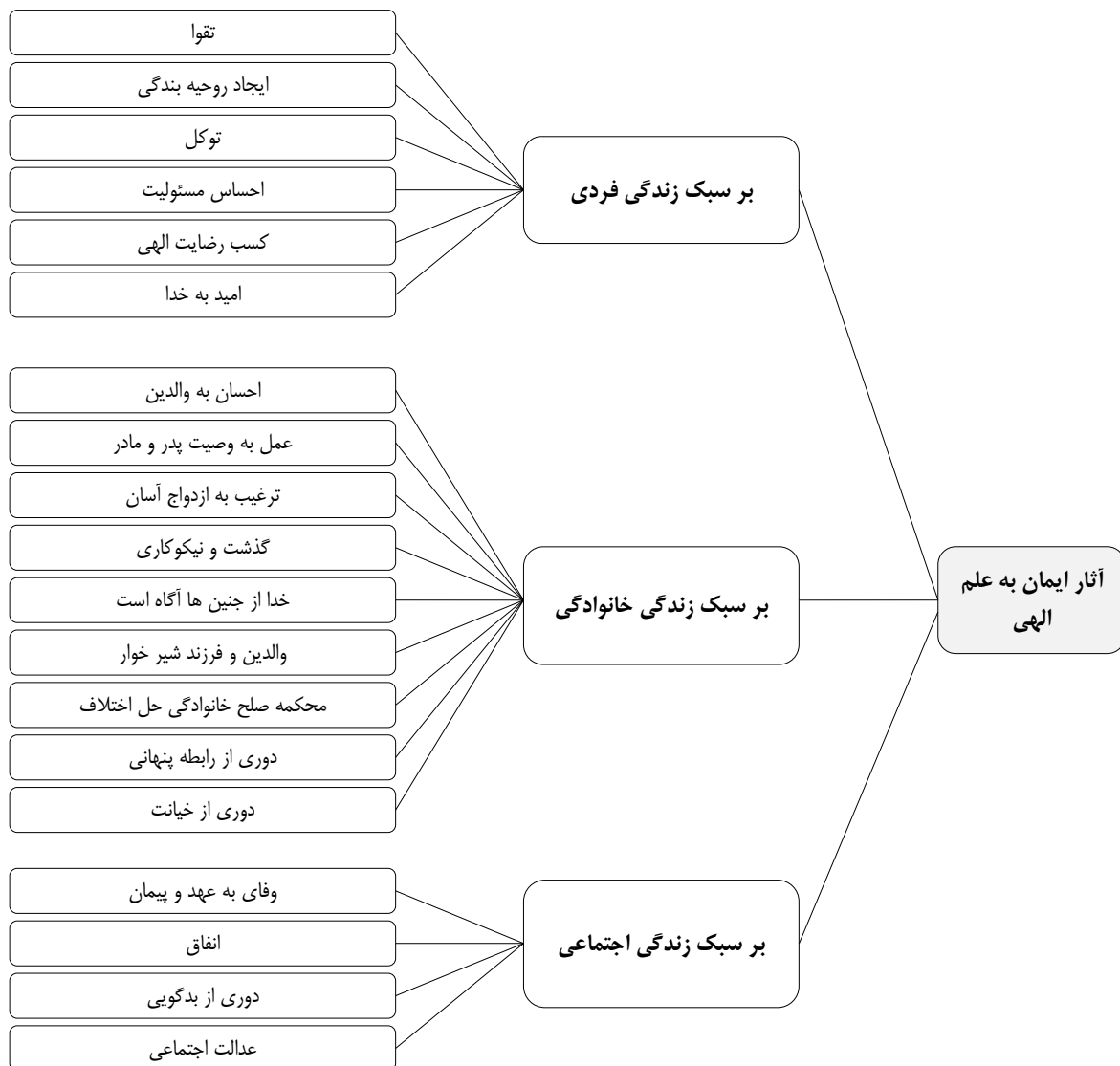
"وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا" این جمله در مقام این است که نهی که از جمله "لا یحب..." استفاده می‌شود را تأیید نموده، بفرماید: این کاری که گفتیم؛ خدای تعالی دوستش ندارد به راستی کار خوبی نیست، کاری نیست که هر انسانی به خود اجازه ارتکاب آن را بدهد مگر مظلوم چون خدای تعالی سخن زشت را می‌شنود و علیمی است که سخن هر صاحب سخن را می‌داند.^{۱۹}

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین و تحلیل آثار و نتایج ایمان به علم الهی بر سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن با تأکید بر تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی انجام شد. به طور کلی، در حوزه سبک زندگی اسلامی مطالعه زیادی انجام شده است و تأثیر ایمان به برخی از اعتقادات دینی بر سبک زندگی هر کدام جداگانه مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد هیچ کار جامعی انجام نگرفته و هیچ الگویی برای سبک زندگی اسلامی ارائه نشده است که اولاً همه ابعاد را لحاظ کرده باشد؛ ثانیاً انسجام و هماهنگی تمام ابعاد را با یکدیگر مورد لحاظ قرار داده باشد. در خصوص سبک زندگی می‌توان اظهار داشت هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند ثمره و محصول جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل یافته باشد. با توجه به اهمیت سبک زندگی و تأثیر آن در تمامی جنبه‌های فردی و اجتماعی اقشار مختلف مردم [۱۱ و ۱۲]، بایستی خاطر نشان ساخت جامعه کنونی ما متأسفانه نتوانسته است میان باورهای

فردی‌شان همچون وفای به عهد، دوری از خیانت، در خانواده و اجتماع؛ رعایت عدالت اجتماعی، انفاق و غیره می‌توانند به خوبی سبک زندگی اسلامی را پیاده سازند. امید است که همه انسانها با آشنایی با این راهکارهای قرآنی، سبک زندگی سالم فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را با ارزشهای اسلامی پیوند داده و انسانی باشند که از حیات طیبه و زندگی پاک در دنیا بهره برده و سعادت ابدی را نیز از آن خود و فرزندان و جامعه خویش نمایند.

بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی از یک طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی، ارتباطی معنادار و وثیق ایجاد کند! یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که ایمان به علم الهی در سه سطح کلی بر سبک زندگی اسلامی، فردی، خانوادگی و اجتماعی انسانها تاثیر دارد. هر یک از این سطوح دارای زیر شاخه‌هایی می‌باشند که در مجموع و در کنار هم تشکیل دهنده سبک زندگی سالم افراد خواهند بود. علامه طباطبائی در جای جای اثر مهم خود بر این نکات آموزنده تاکید داشتند که انسانها با رعایت ابعاد مختلف اخلاقی در روابط بین



نمودار ۱: آثار ایمان به علم الهی

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

موازن اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

- [5] Sharifi, A., Khavaninzade, M., Fazelnia, M. Quran Knowledge Journal, 2016: 7(25). [Persian]
- [6] Qarzawi Y. Quran is a charter of life. First Edition. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1412 A.H. [Persian]
- [7] Mostafa, M.G., Javanpour, A., Norouzi Teymourlouie, H., The role of optimism and religious coping in predicting nurses' burnout, Journal of Islamic Life Style Centeredon Health, 2023;7(3): 65- 77. [Persian]
- [8] Dolabi, P., Yazdi, A., Izadpanah, A., Types of Revelation and its Semantics on Islamic Lifestyle, Islamic Life Style. 2023; 7 (2):174-208.
- [9] Haji Pasha, M., Falah, E., Mirian, S.A. Moderation in the Islamic Lifestyle and Factors Affecting it from the Perspective of the Qur'an and Hadiths, Journal of Islamic Life Style Centeredon Health, 2023;7(3): 43-51. [Persian].
- [10] Makarem Shirazi, N. Tafsire Nomone, Darolkotob Eslami, 1992.
- [11] Fathi Ashtiani, A., Jafari Kandovan, G. H. R. Comparison of lifestyle, quality of life and mental health in two military dependent and non-military dependent university personnel. Journal of military medicine, 2011; 13(1): 42-8.
- [12] Dadfar, M., Bahrami, F., Sheybani Noghahi, F., Askari, M. Relationship between religious spiritual well-being and death anxiety in Iranian elders. International Journal of Medical Research & Health Sciences, 2016; 5: 283-287.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

واژه نامه

1. Alfred Adler
۱. ألفرد أدلر
 ۲. سوره علق، آیه ۹۶
 ۳. سوره روم، آیه ۳۰
 ۴. سوره تحریم، آیه ۶۶
 ۵. سوره طه، آیه ۲۰
 ۶. سوره حجرات، آیه ۴۹
 ۷. سوره علق، آیه ۹۶
 ۸. سوره نحل، آیه ۱۶
 ۹. سوره انعام، آیه ۶
 ۱۰. سوره حجرات، آیه ۴۹
 ۱۱. سوره انفال، آیه ۸
 ۱۲. سوره آل عمران، آیه ۳
 ۱۳. سوره بقره، آیه ۲
 ۱۴. سوره النساء، آیه ۴
 ۱۵. سوره طلاق، آیه ۶۵
 ۱۶. النساء (۴): ۱۴۸.
 ۱۷. النساء (۴): ۱۴۸.
 ۱۸. طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۰۱.
 ۱۹. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۰۲.

فهرست منابع

- [1] Motahri, M. An introduction to Islamic worldview. Sadra Publishing House. [Persian]
- [2] Kaviani M. Islamic lifestyle and its measuring tool. Qom: Research Institute and University; 1391. [Persian]
- [3] The Holy Quran.
- [4] Tabatabayi M.H. Translation of Tafsir al-Mizan. Third edition. Beirut: Scientific Institute Publishing; 1390 . [Persian]